

درس تفسیر استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

تاریخ: ۱۵ بهمن ۱۳۹۷

موضوع کلی: تفسیر سوره بقره

موضوع جزئی: آیه ۲۹\_ بخش دوم\_ بررسی تقدم و تأخر خلق آسمان و زمین

مصادف با: ۲۸ جمادی الاولی ۱۴۴۰

جلسه: ۳۷

﴿ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ وَاللَّعْنُ عَلَى أَعْدَائِهِمْ أَجْمَعِينَ ﴾

بررسی تقدم و تأخر خلق آسمان و زمین

بحث در بخش دوم آیه بیست و نهم بود، عرض کردیم در بخش دوم این آیه بحث از خلقت آسمان و استوای آسمان‌های هفت‌گانه است. یکی از مسائلی که ذیل این بخش و به دنبال بخش اول باید مورد رسیدگی قرار گیرد، مسئله تقدم و تأخر خلقت آسمان و زمین است.

عرض کردیم که از برخی از آیات استفاده می‌شود زمین قبل از آسمان خلق شده است. آیه محل بحث به حسب ظاهر دلالت بر تقدیم خلقت زمین بر آسمان دارد. روایتی را هم دیروز خواندیم که بر اساس آن روایت زمین قبل از آسمان خلق شده است.

در برخی از روایات دیگر هم به صراحت این مطلب بیان شده از جمله در روایتی است و مواردی را امام (علیه السلام) نقل می‌کنند که در این موارد برخی از امور قبل از برخی دیگر خلق شده‌اند. مثل اینکه طاعت قبل از معصیت خلق شده است، رحمت قبل از غضب خلق شده است، خیر قبل از شر، حیات قبل از موت، خورشید قبل از ماه و نیز نور قبل از ظلمت خلق شده است. در این روایت یک تعبیری هم دارند، و «خلق الأرض قبل السماء»، یعنی زمین قبل از آسمان خلق شده است.<sup>۱</sup>

در مقابل این، برخی از آیات و روایت دلالت بر تقدم خلقت آسمان بر زمین دارند.

از جمله آیه: «أَنْتُمْ أَشَدُّ خَلْقًا أَمِ السَّمَاءِ بَنَاهَا \* رَفَعَ سَمَكَهَا فَسَوَّاهَا \* وَأَغْطَشَ لَيْلَهَا وَأَخْرَجَ ضُحَاهَا \* وَالْأَرْضَ بَعْدَ ذَلِكَ دَحَاهَا»<sup>۲</sup>

این آیات هم به جهت ترتیب ذکر و هم به جهت ترتیب دلالت بر این می‌کند که زمین بعد از آنکه آسمان بنا شد خلق شده است. این هم به هر حال مطلبی است که در برخی ادله روی آن تأکید شده است.

کلام علامه طباطبایی

۱. تفسیر برهان ج ۱ ص ۷۲.

۲. سوره نازعات آیات ۲۷ تا ۳۰.

البته در ذیل همین آیه ۲۹ مرحوم علامه در المیزان مطلبی را فرموده است که «ثم» در این آیه دلالت بر ترتیب واقعی ندارد. «ثم» در اینجا حرف عطف است به معنای تأخیر و ظاهرش این است که آفرینش آسمان با تأخیر بعد از آفرینش زمین واقع شده است. اما علامه می‌فرماید «ثم» در اینجا برای افاده ترتیب واقعی نیست بلکه تفاوت درجه و مرتبه و نیز تأخیر به حسب مقام بیان منظور است. به عبارت دیگر، «ثم» در اینجا مفید ترتیب ذکر است نه ترتیب واقعی.<sup>۱</sup> اگر ما این معنا را بپذیریم که ثم ترتیب واقعی را دلالت نمی‌کند، آنوقت دیگر نمی‌توانیم بگوییم که این آیه دلالت بر تقدم خلقت زمین بر آسمان دارد بلکه فقط یک ترتیبی از حیث ذکر و تفاوتی است در مرتبه و صرفاً تقدم و تأخر بیانی است. به هر حال این موضوع همانطور که دیروز هم به آن اشاره کردیم، از موضوعات مهمی است که محل بحث و گفت و گو واقع شده است.

### نظر صدر المتألهین

عرض کردیم که ملاصدرا بعد از ذکر یک روایتی از امیرالمؤمنین که دلالت بر تقدم خلقت زمین بر آسمان دارد، فرموده این مخالف دلیل عقلی و نقلی است چون ظاهرش این است که خلقت آسمان مقدم است بر زمین. ایشان برای حل این تعارض ادعا کرده است که ما از جهتی می‌توانیم بگوییم که علت غایی مقدم است و از جهتی هم می‌توانیم بگوییم که علت غایی مؤخر است. بر همین اساس ایشان می‌گوید خلقت آسمان از جهتی مقدم بر زمین است و از جهتی دیگر، مؤخر است و لذا روایات متعارض هر یک حمل بر یک جهت می‌شوند. آن روایاتی که دلالت دارد بر تقدم خلقت زمین بر آسمان، این ناظر به یک جهت است. روایاتی که دلالت بر تقدم خلقت آسمان بر زمین است، ناظر به جهتی دیگر است. ولی این راه حل بر این فرض استوار است که آسمان‌ها نسبت به زمین، علت غایی محسوب می‌شوند. ایشان این را مفروض گرفته که آسمان علت غایی زمین است. اگر ما گفتیم که آسمان علت غایی زمین است، علت غایی از حیث تصور تقدم دارد و از حیث وجود، تأخر دارد. تا انسان غایت چیزی را تصویر نکند، کاری صورت نمی‌گیرد. پس همیشه تصوراً و در وجود ذهنی، علت غایی مقدم است بر معلول خودش؛ ولی از نظر وجود خارجی و تحقق در واقع، علت غایی بعد از آن معلول خودش تحقق پیدا می‌کند. شما هر کاری را انجام دهید، مبتنی بر چهار علت مادی، صوری، فاعلی و غایی است و هیچ فعلی بدون این چهار علت تحقق پیدا نمی‌کند. در این عالم اگر چیزی بخواهد موجود شود، نیازمند فاعل است، نیازمند علت مادی و صوری است و علت غایی هم می‌خواهد. درست است که علت غایی در سلسله علل واقع می‌شود، ولی از نظر وجود خارجی، غایت هر شیئی بعد از خود شیئی محقق می‌شود. اگر ما فرض کردیم که آسمان علت غایی زمین است، یعنی آسمان‌ها از علل غایی محسوب می‌شوند، به جهت تصویری مقدم اند اما به جهت تحقق خارجی مؤخر اند. این دو جهتی که صدر المتألهین بین آنها فرق گذاشته و برخی از روایات را حمل بر این کرده که آسمانها مقدم‌اند بر زمین، ایشان نظر داشته به وجود تصویری علت غایی.

۱. المیزان ج ۱۷ ص ۳۶۵.

پس روایاتی که دال بر تقدّم آسمان بر زمین است، نظر به این دارد که آسمان علت غایی زمین است و علت غایی تصوّرماً مقدم بر معلول خودش است.

اما روایاتی که دلالت بر تقدّم زمین دارد، این نظر به تحقّق خارجی دارد به این معنا که خلق زمین خارجاً از نظر وقوعی مقدّم است بر خلق آسمان ها.

این بیانی است که ایشان در مورد تعارض این روایات ذکر کرده است.

#### **بررسی نظر صدر المتألهین**

لکن همه ی اینها مبتنی بر این است که آسمان علت غایی برای زمین باشد در حالی که خود این احتیاج به اثبات دارد. به عبارت دیگر ما با کبرای مدّعی ایشان که علل غایی مقدّم اند مشکلی نداریم، ولی مشکل در صغری است به این معنا که آسمان علت غایی برای زمین باشد. لذا به نظر می‌رسد که این جهت نمی‌تواند راه گشا باشد.

#### **سوال:**

**استاد:** از روایتی که از امام(ع) خواندیم و تصویر کرد آسمانها و زمین‌های هفت‌گانه را، فهمیده می‌شود که ارض و سماء مفاهیم متضایف نیستند، و اینطور نیست که اگر زمین نباشد آسمان هم نباشد.

همانطور که عرض کردم عمده این است که بالاخره وقتی انسان در آیات و روایات دقت می‌کند، می‌بیند که اکثراً دلالت دارند بر خلق زمین قبل از آسمان. درست است که آیات سوره نازعات به نوعی اشعار دارد به تقدّم خلق آسمان بر زمین، و برای همین هم مرحوم علامه «ثم» را حمل بر ترتیب ذکر کرده است نه واقعی، ولی بالاخره معلوم نیست که ایشان با اینکه «ثم» را حمل بر ترتیب ذکر کرده است، میخواهد مسئله تقدّم خلقت آسمان بعد از زمین را اشکال کند، یا به نوعی می‌خواهد اصل این موضوع را محلّ تردید قرار دهد.

#### **حق در مسئله**

در اینجا مقداری اضطراب وجود دارد و موضع روشن و شفافی در این رابطه دیده نمی‌شود اما همانطور که عرض کردم ظاهر ادله و روایات این است که خلق زمین قبل از آسمان است. اما همانطور که ملاحظه فرمودید ملّا صدرا ادعا می‌کند که مفاد ادله این است که خلقت آسمان تقدّم دارد بر خلقت زمین و لذا آن روایتی که از امیرالمؤمنین نقل شده است را، ایشان مخالف ادله نقلیه و عقلیه می‌داند و نمی‌پذیرد که امیرالمؤمنین فرموده باشد که آفرینش آسمان بعد از آفرینش زمین باشد.

به هر حال ابهام در کلمات اهل فنّ دیده می‌شود و مقتضای ادله را هم ملاحظه فرمودید؛ ولی شاید در کلمات محقّقین از فلاسفه و اهل معقول، این مسئله که آسمان قبل از زمین خلق شده است بیشتر دیده می‌شود. این شاید با بعضی از فرضیات علوم تجربی هم قابل تأیید باشد. بالاخره مجموعه کهکشان‌ها که منظومه شمسی یکی از آنهاست و زمین هم یکی از سیاراتی است که در این مجموعه در حال حرکت است، اگر ملاحظه شود به نظر می‌رسد که حق همین است که آسمان‌ها

به معنای عامش که مشتمل بر سیارات و کرات است، مقدّماً خلق شده است مخصوصاً با ملاحظه اینکه گفته می‌شود که کره زمین، یک تکه جدا شده از خورشید است. یعنی انفجارات و فعل و انفعالات در سطح خورشید به عنوان یک کانون حرارت و آتش باعث شده یک تکه‌ای جدا شود و بعد به مرور این سرد شده و بعد تبدیل شده به محلی که قابل سکونت است و لذا در عمق زمین هنوز آن آتش‌ها و حرارت‌ها و مواد مذاب وجود دارد. این چیزی است که مطابق با فرضیات دانشمندان تجربی و طبیعی هم هست.

اگر بگوییم که زمین قبل از آسمان خلق شده، معنایش این است که خداوند این کره را خلق کرده باشد، و بعد آسمانها با این وسعت پیرامون آن بعد از آن خلق شده باشد. چون کره زمین یک جزیی از اجزاء این عالم با عظمت است که اصلاً در این عالم شاید مثل یک دانه ی نخود باشد در یک انبار بزرگی که همه چیز پیدا می‌شود و این خیلی قابل قبول نیست. البته این امکان هم وجود دارد ولی اگر ما نظام عالم ماده را یک نظام کلی بگیریم که بر اساس یک سیر و قوانینی شکل گرفته، این بعید به نظر می‌رسد لذا اینکه مرحوم علامه طباطبایی در این آیه تصرّف کرده و ثمّ را حمل بر ترتیب واقعی کرده ولو اینکه با مسئله تقدّم خلق آسمان بر زمین نمی‌سازد. اینکه صدر المتألّهین تصریح دارد که آسمان قبل از زمین خلق شده، مبتنی بر نکاتی است که عرض کردیم هرچند بسیاری از ادله هم خلاف این را عرض می‌رساند.

«والحمد لله رب العالمین»